

# APAGA

Quarterly

آپاگا  
فصلنامه

فصلنامه فرهنگی - اجتماعی مطالعات شرق شناسی، ایرانشناسی و ارمنی شناسی  
An International Journal of Oriental Studies



نادر شاه افشار

ISSN 1682-5438

شماره ۷۰ تابستان (شهریور) ۱۳۹۶

No. 70, September 2017

# آپاگا فصلنامه بین المللی ایرانشناسی و ارمنی شناسی

شماره ۷۰ تابستان ۱۳۹۶

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

ادیک باغداساریان

سندوق پستی شماره ۹۴۸۸-۱۵۸۷۵

تهران - ایران

نشانی اینترنت [www.ApagaOnline.com](http://www.ApagaOnline.com) و [www.apagamonthly.4t.com](http://www.apagamonthly.4t.com)

[apaga98@hotmail.com](mailto:apaga98@hotmail.com)

پست الکترونیکی

ISSN 1682-5438

---

## فهرست

جامعه ارمنی در ایران در زمان نادرشاه و کریم خان

فارسی

- شورش ماه فوریه و فقدان قراباغ

ارمنی

- کشتار ارمنیان در "جمهوری آذربایجان"

حکومت ترور و وحشت - کشتار ارمنیان در سیواس ، قیصریه ، بیرجیک ،

انگلیسی

بیتلیس و ماردین

---

مقالات و دیدگاه های مندرج در نشریه لزوماً بیانگر موضع "آپاگا" نیست.

نشریه در حک و اصلاح مقاله ها مجاز است.

مقالات و مطالب رسیده باز گردانده نمی شود.

استفاده از مطالب "آپاگا" با ذکر ماخذ آزاد است.

شمارگان ۱۰۰ بها ۵۰۰ تومان

چاپ احسان-تهران چهارراه ولیعصر پلاک ۱۱۴۸

## اوضاع ارمنیان در زمان نادرشاه افشار و سلسله زندیه

### ادیک باغدا ساریان

حکومت افغانان از پایه و اساس محکمی برخوردار نبود. آنان کشور را به آشوب و ناآرامی، قتل و کشتار و چپاول و استثمار کشاندند. لشکریان آنها دسته دسته در مناطق مختلف گردش می کردند و به بهانه جمع آوری مالیات ساکنان را مورد چپاول قرار می دادند. اوضاع سیاسی افغانها در زمان اشرف وخیم تر شد. وی مجبور بود در چند جبهه بجنگد: از سویی با شاه تهماسب، از سوی دیگر با فتحعلی خان قاجار استرآبادی و از دیگر سو با قوای روس مستقر در گیلان و ترکان عثمانی که بخش اعظم کشور را در دست داشتند.

تلاش های شاه تهماسب دوم برای مقابله با افغانها به نتیجه نرسید. او چند شکست متحمل شده مجبور گردید به مازندران عقب نشینی کند. لیکن در اینجا نیز خود را در امنیت نیافت لذا به نواحی دور دست خراسان رفت. در همین جا بود که نادرقلی خان افشار جنگنده مشهور و سابق طایفه افشار با شش هزار لشکر خود به او پیوست. خان های ایرانی خراسان به دستور نادر به تهماسب دوم پیوستند. در نتیجه سپاه ۵۰ هزار نفری تشکیل و نادر به عنوان فرمانده آن منصوب شد. تهماسب با نام خود او را تهماسب خان می نامید. لیکن نادرقلی برای نشان دادن ارادت خود خویشتن را تهماسب قلی می نامید.<sup>۱</sup>

سرنوشت نادر حکم می کرد در آن دوران بحرانی وظیفه ای بس بزرگ به عهده بگیرد. او در طول سال ۱۷۲۶ و دو سال بعد از آن سراسر خراسان را زیر فرمان خویش در آورد و در بهار ۱۷۲۵ هرات را متصرف گردید. در دوم سپتامبر ۱۷۲۹ در جلگه رود مهماندوست (نزدیک دامغان) سپاه ۳۰ هزار نفری افغان را در هم کوبید و افغانان در حال عقب نشینی را تعقیب نمود و در روستای مورچه خورت در ۶۰ کیلومتری اصفهان همراه شاه تهماسب در روز ۲۹ نوامبر ۱۷۲۹ ضربات مهلکی به سپاهیان افغان وارد ساخت. اشرف حرم و نزدیکانش را برداشته به سوی قندهار

<sup>۱</sup> - تاریخ ایران. گروه نویسندگان. ص ۲۸۸.

گریخت لیکن در راه توسط یکی از خان‌های بلوچ کشته شد. افغان‌ها حتی به سلطان حسین نیز رحم نکردند و به دستور اشرف او را خفه کردند.<sup>۲</sup>

نادر موفق شد پایتخت را آزاد کند، تهماسب بر تخت پادشاهی صفوی که ۷ سال تمام توسط افغانان غضب شده بود جلوس کرد. بدین سان در نوامبر ۱۷۲۹ افغان‌ها از ایران طرد شدند. حکومت افغانان مصیبت بزرگی برای ایرانیان بود. در طول ۷ سال حاکمیت آنها ایران بیش از یک میلیون نفر تلفات داد. برخی از مناطق کشور به بیابان تبدیل شده ضربه هولناکی به تجارت و اقتصاد وارد آمد. بویژه منطقه اصفهان متحمل زیان‌های بیشمار شد. از هر نقطه نظر این هفت سال دوران از دست رفته در تاریخ ایران بشمار می‌رود.

در سال ۱۷۳۰ نادر نیروی نظامی خود را متوجه دشمن قهار خود یعنی ترکان عثمانی نمود و شکست دندان‌شکنی به آنها داد و کلیه مناطق اشغالی آنها را آزاد ساخت.

در سپاه نادر گردان ارمنی وجود داشت که جمع آنها در سال ۱۷۳۵ هنگام دفاع از گنجه و در جنگ قارص تکمیل شد، اینان سربازان ارمنی تحت فرماندهی ملیک‌های (فتودال‌های حاکم) ارمنی آرتساخ (قرباغ) و سیونیک قرار داشتند که به کمک نادر آمدند. نادر هنگام گذر از گغارکونیک ارمنستان هدایای بسیاری به ملیک جان ملیک شاهنازاریان (شاهنظریان) داد که با سپاهانش در خدمت او بود. بعدها که ملیک جان طعمه یک توطئه و خیانت شد، نادر حاکمیت گغارکونیک را به فرزند او ملیک مانوچار (منوچهر) سپرد.<sup>۳</sup> ملیک‌های دیگری از همین خاندان در خدمت نادر بودند. از نادر فرمانی به دست ما رسیده است که در آن وفاداری ملیک میانسار ملیک شاهنظریان و خدمات او به نادر مورد اشاره و تأیید قرار می‌گیرد.<sup>۴</sup>

یکی از شخصیت‌های مشهور ارمنی در دهه ۱۷۳۰ که مورد اعتماد و محبت نادر قرار داشت ملیک یگان، مالک دیزاک بود که مطابق نوشته محمد کاظم مقام اولی را در میان فرماندهان

<sup>۲</sup> - بایوردیان. منبع یاد شده. ص ۳۵۹.

<sup>۳</sup> - تاریخ ارمنستان. آکادمی علوم. جلد ۴، ص ۱۵۱.

لئو، تاریخ ارمنیان. ج ۳، کتاب دوم، ایروان: ۱۹۷۳. ص ۲۲۵-۲۲۴.

<sup>۴</sup> - همانجا. ص ۱۸۱. محمد کاظم، نامه عالم آرای نادری جلد ۱، چاپ مسکو: ۱۹۶۰، ص ۹۹.

نظامی (در سال ۱۷۲۳) داشت و پس از او ملیک تامراز و ملیک هاروتیون قرار داشتند. این ملیک ها که در سیونیک و آرتساخ و دشت آارات کار می کردند، حاکمیت خود را قبل از نفوذ ترکان، تارودهای کر و ارس گسترش داده بودند.<sup>۵</sup>

ملیک ها و زعمای ارمنی آنسوری ارس نه تنها با نیروهای نظامی خود که با جمع آوری مالیات و جریمه ها از مناطق زیر حکومت خود به نادر کمک می کردند. آذوقه و لباسهای سپاه، نیروی حمل و نقل و نیروی کار عملیات ساخت استحکامات توسط ملیک های ارمنی تهیه و تامین می گردید.

نادر در سال ۱۷۳۵ از گنجه به قارص رفت و سپس راهی حوالی کابری شد. در این روزها تقریباً همه بزرگان ارمنی در نزد نادر بسر می بردند. از جمله ملیک جان ملیک شاه نظریان (گوکارک)، ملیک یگان (دیزاک)، ملیک مگردوم و ملیک ها کوپ جان (ایروان) و دیگران. نادر در ارمنستان تصمیم گرفت ضربه هولناکی به ترکان وارد سازد و برای این کار روی نیروهای ارمنی حساب می کرد. این فرصت خوبی برای ارمنیان برای رهایی از یوغ ترکان بود.

بنابه دعوت و خواهش ملیک های ارمنی و جاثلیق آبراهام رهبر مذهبی ارمنیان و کلیسای ارمنی، نادر از اجمیادزین مقر جاثلیق دیدن کرد و با فرمان های جدید کلیه حقوق و امتیازات قدیمی کلیسا و جامعه ارمنی را مورد تأیید و تصویب قرار داد. جاثلیق در کتاب تاریخ خود در مورد ملاقاتش با نادر چنین می نویسد:

«... من رفتم و عرض سلام کردم و به او خیرمقدم گفتم و او نیز به من گفت: خوش گلدین خلیفه نجسن. چاق سن. ده آتلان آلیفا گدک ایرلری»<sup>۶</sup>.

نادر روابط بسیار دوستانه و صمیمی بویژه با جاثلیق آبراهام داشت و گهگاه با او مشورت می کرد و معمولاً او را خلیفه خطاب می کرد و در خواست های او را اجابت می کرد.<sup>۷</sup> قابل ذکر است که آنها به زبان ترکی با هم سخن می گفتند و جاثلیق عین سخنان نادر را در کتابش

<sup>۵</sup> - تاریخ ارمنستان. ج ۴، ص ۱۸۱.

<sup>۶</sup> - آبراهام کرتاتسی. تاریخ. ایروان: ۱۹۷۳، ص ۴۹.

<sup>۷</sup> - لئو. تاریخ ارمنیان. جلد ۳، ایروان: ۱۹۷۳، ص ۲۲۵.

ذکر کرده است. نادر هنگام اقامت در اچمیادزین مقدس دستور تعمیر و مرمت کلیساها توسط استادان ماهر را می دهد و یکهزار تومان بودجه برای این کار در نظر می گیرد. وانک اچمیادزین با ۵ من (۱۵ کیلوگرم) طلا ترین می شود و دستور می دهد نفیس ترین فرش های کرمان به هزینه دولت به اچمیادزین ارسال گردد.<sup>۸</sup>

جائلیق آبراهام احترام ویژه ای برای نادر قایل بود و دوست داشت او را «اسکندر دوم» (مقدونی) بنامد و در کتاب تاریخش او را به همین نام یاد می کند.<sup>۹</sup>

در جنگ **یغوارد** در تاریخ ۸ ژوئیه ۱۷۳۵ علی رغم نابرابری شدید شمار سربازان، ترک ها شکست سختی متحمل شدند. جزئیات جریان این جنگ حماسی را جائلیق آبراهام، محمد کاظم و منشی درباری نادر یعنی میرزا محمد مهدی خان استرآبادی نگاشته اند.<sup>۱۰</sup>

پس از این پیروزی ، نادر به مناطق شرقی ارمنستان بازگشت و به سپاهش دو ماه استراحت داد و مذاکره و مراوده زیادی با ملیک های ارمنی و جائلیق آبراهام داشت. جائلیق در خواست می کند که همراه او به آنسوی آخوریان (شاخه ای از ارس) برود اما نادر به او می گوید که «اختیار دارید، گناه داری، حیف است. باز گرد به مقر خود و فقط برایمان دعا کن».<sup>۱۱</sup>

نادر با عبور از آخوریان از قارص تا کارین (ارزروم) و بایزید صدها شهر و روستای ارمنستان غربی را مورد تاخت و تاز و چپاول قرار داد.<sup>۱۲</sup>

پس از این پیروزی بزرگ نادر ، ترکها تغییراتی در فرماندهی نظامی خود داده، احمد پاشا را بجای عبدالله پاشا منصوب کردند و او نیز هیئتی را برای مذاکره را انعقاد قرار داد صلح نزد

<sup>۸</sup> - محمد کاظم. ص ۶۳۴-۶۳۲.

<sup>۹</sup> - آبراهام کرتاتسی. ص ۴۸ و غیره.

<sup>۱۰</sup> - آبراهام کرتاتسی. ص ۵۷-۶۲. م. کاظم، ص ۶۰۷-۶۰۰.

محمد مهدی خان استرآبادی. «تاریخ جهانگشای نادری»، ص ۱۶۱-۱۵۶. (نسخه دستنویس).

<sup>۱۱</sup> - آبراهام کرتاتسی. ص ۶۵.

<sup>۱۲</sup> - میرزا مهدی خان استرآبادی. ص ۱۶۲.

نادر فرستاد. بر اساس این قرار داد ترکها مناطق ایروان، گنجه، تفلیس را به نادر سپردند و لشکریانشان را از قفقاز خارج نمودند.

نادر پس از لشکرکشی ناموفق خود به داغستان در نوامبر ۱۷۳۵، در دشت مغان اتراق کرد و تمام بزرگان سراسر ایران، خان‌ها، بیگریگ‌ها، ملیک‌ها و مقامات بلند پایه را به آنجا دعوت کرد و خود او در ۲۰ ژانویه ۱۹۳۶ به محل آمد. در جلسه قوریلتای مغان (شورای زعما)، ملیک‌های ارمنی و جاثلیق آبراهام نیز دعوت شده بودند. جزئیات این مراسم در کتاب تاریخ جاثلیق آبراهام آمده است.<sup>۱۳</sup> قوریلتای مغان با اکثریت قاطع نادر را به پادشاهی ایران انتخاب کرد و جاثلیق آبراهام از اولین افرادی بود که برای سلام صبح به حضور نادرشاه رسید و پادشاهی او را به وی تبریک گفت.

در دوران حکومت نادرشاه ارمنیان از امتیازات ویژه‌ای برخوردار بودند. آنان دوران سازندگی سپری می‌کردند و با دست درازی‌های فرقه‌ای کاتولیک‌ها مبارزه می‌نمودند. ایشان از تحریکات ضد مسیحی و تشویق به تغییر مذهب مصون ماندند.

نادرشاه در سال ۱۷۳۵ هرات و قندهار را تصرف کرد و از اینجا با سپاهی بزرگ وارد هندوستان گردید و در جنگ ۲۴ فوریه ۱۷۳۹ در حوالی شهر کرنال ارتش محمد شاه را درهم کوبید و در ۲۰ آوریل دهلی را اشغال نمود.<sup>۱۴</sup> ثروت افسانه‌ای هندوستان را تاراج نمود و بویژه کوه نور، دریای نور و تخت طاووس را همراهش به ایران آورد که قیمت آنها سه میلیارد روپیه نقره هندی ارزیابی می‌شود.<sup>۱۵</sup>

نادر با کسب این ثروت کلان برای سه سال مردم را از مالیات معاف کرد.

<sup>۱۳</sup> - آبراهام کرتاسی. تاریخ. ص ۴۰-۲۱ و ۱۳۱-۷۴.

میرزا مهدی استرآبادی، منبع یاد شده، ص ۱۷۲-۱۶۷.

<sup>۱۴</sup> - همانجا. ص ۱۰۵-۱۰۳.

<sup>۱۵</sup> - و. بایوردیان. ایران، ص ۳۷۰.

یک اثر دیگر آن را ۷۰۰ میلیون روپیه برآورد کرده است. تاریخ ایران، گروه نویسندگان،

ص ۲۹۵-۲۹۴.

در دوران امن حکومت نادرشاه بسیاری از ویرانی های ارمنستان شرقی مرمت شد و ساکنان زیادی از ارمنستان غربی به سوی ایروان و نخجوان بعنوان نواحی امن نقل مکان کردند. در دهه ۴۰ سده ۱۸ نادرشاه پیمان صلح ۱۷۳۶ با ترکان (ارزروم) را نقض نموده به ترکیه لشکر کشی کرد. در این بین هر دو قسمت ارمنستان (شرقی و غربی) بسیار صدمه و آسیب دید. نادرشاه در سپتامبر ۱۷۴۲ موصل را تصرف کرد و از والی احمد پاشا در خواست کرد بغداد را به او تسلیم کنید و یک لشکر ۵۰ هزار نفری راهی ارزروم نمود. از ۳۱ ماه مه تا ۲۴ اوت سال ۱۷۴۴ دو بار میان ایرانیان و ترکان جنگ روی داد ولی هیچیک نتوانست پیروی قاطع بدست آورد. لذا سپاه نادرشاه روز ۹ اکتبر همان سال دست بر عقب نشینی زد. لیکن ساکنان این مناطق متضرر شدند.

سپاه ۱۰۰ هزار نفری یگن محمد پاشا سر عسکر ترکیه از قارص عبور کرد و در یغوارد اتراق نمود. در اوت ۱۷۴۵ جنگ خونینی میان دو طرف روی داد که چهار شبانه روز به طول انجامید و به شکست کامل قوای ترک منجر شد. سرعسکر نیز در این جنگ کشته شد. پس از این پیروزی نادر به سرعسکر جدید ترک الیاز احمد پاشا پیشنهاد صلح داد و مناطق وان، کردستان، بغداد، بصره، نجف و کربلا را از ترکها خواستار شد. ۴ سپتامبر ۱۷۴۶ پیمان جدید صلح منعقد شد که بر اساس آن ارمنستان غربی و گرجستان غربی در قلمرو ترکیه اما ارمنستان شرقی، گرجستان شرقی و سایر نواحی قفقاز زیر حکومت ایران قرار گرفتند.<sup>۱۶</sup>

در دهه ۱۷۴۰ اوضاع اقتصادی اچمیادزین مقدس هر چه بیشتر رو به ترقی رفت. تصاحب زمین های موقوفه و ملی کردن آنها شامل اراضی کلیسای ارمنی نمی شد. بلکه بر عکس، نادر شاه حقوق زمینداری اچمیادزین را کاملاً مورد تایید قرار داد.

<sup>۱۶</sup> - م. زولالیان. منبع یاد شده. کتاب اول، ص ۲۲۲-۲۲۱.



نادر شاه دستور داد در مشهد آرامگاهی بسازند و جالب این است که این آرامگاه کلا توسط مسیحیان ساخته شد در حالیکه دو کلیسا بدست مسلمانان بنا نهاده شد. نادر شاه با این عمل در صدد از بین بردن اختلافات مذهبی و نزدیک کردن مردم به یکدیگر برآمد.<sup>۱۷</sup>

نادرشاه بعدها پس از عملیات ناموفق در داغستان و بعثت برخی کارهای انجام شده توسط مشتی درباریان مفت خور و شهوتران و خدعه و نیرنگ های آنان بسیار مشکوک و مضنون شد و در اخلاقیات و رفتار او تغییرات هولناکی صورت گرفت تا جایی که حتی دستور داد فرزندش رضاقلی میرزا را کور کردند و پس از آن مشاعر خود را از دست داد تا اینکه در سال ۱۷۴۷ توسط نزدیکانش کشته شد.

بر اساس نوشته های هاروتیون ترهوهانیانتس نادر شاه در قبال ارمنیان جلفا سیاست متفاوتی داشت. او از آنان به سه روش مالیات اخذ می کرد اول اینکه از آنان مبلغ هنگفتی طلب می کرد. دوم، مالیات را بدون استثناء از همه اهالی جلفا می گرفت و سوم اینکه تهمت هایی به ثروتمندان می زد و بدین وسیله آنها را چپاول می کرد.<sup>۱۸</sup>

اهالی جلفای نو در اثر این مالیات های سنگین تنگدست شدند ولی وقتی که این خبر به نادرشاه رسید، دستور داد مالیاتها را کاهش دهند و فرمان داد ارمنیان را ناراحت نکنند. اما کارگزاران کماکان روش قبلی خود را ادامه می دادند.

جائلیق آبراهام کرتاتسی در سال ۱۷۳۷ بدرود حیات گفت و غازار جاهکتسی جانشین او گردید اما بخت نداشت تا از الطاف نادر شاه بهره ببرد. زیرا دیگر نادر شاه آن نادر پیشین نبود. نادر شاه در سالهای آخر عمر بعثت تغییر در روحیاتش رفتار متفاوتی با جائلیق جدید و کلیسای ارمنی نشان می داد. نادرشاه دو سال پیش از قتلش در سال ۱۷۴۵ مبلغ ۶۰۵۰۰ نادر (واحد پول در زمان نادرشاه) از اهالی جلفا درخواست کرد و کارگزار خود محمد رضا بیگ را مامور دریافت پول نمود. او به جلفا رفت و در طی یک ماه این مبالغ را از افراد زیر اخذ کرد:

<sup>۱۷</sup> - جونس هنوی. زندگی نادرشاه. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. چاپ دوم، تهران: ۱۳۶۵. ص

۲۶۳-۲۶۲.

<sup>۱۸</sup> - ه. ترهوهانیانتس. تاریخ جلفای نو. ۱۹۸۰، ج ۱، ص ۲۸۸-۲۸۷.

۵۰۰۰	-خواجه هاروتیون و برادران
۲۵۰۰	-خواجه امیناز و برادران
۲۰۰۰	-خواجه صفیر
۱۵۰۰	-خواجه مارتیروس
۱۵۰۰	-خواجه هوانس
۱۵۰۰	-خواجه زاکاریا
۵۰۰۰	-خواجه آغازاز
۱۵۰۰	-خواجه بابان
۱۵۰۰	-خواجه هوهانجان
۱۵۰۰	-خواجه آغازاز
۲۳،۵۰۰	
۳۷،۰۰۰	ساکنان جلفا
۶۰،۵۰۰ نادی <sup>۱۹</sup>	جمع

پس از مرگ نادرشاه هرج و مرج مجدداً سراسر کشور را فرا گرفت طوایف و گروه های مختلف هر یک در گوشه ای از کشور قد علم کردند. در منازعات حکومتی، علی قلی میرزا برادرزاده نادشاه (که عادلشاه نامیده شد) در آغاز بر دیگران چیره شد و خود را شاه خراسان نامید. ولی او در سال ۱۴۷۸ توسط برادرش ابراهیم عزل شد و او ۸ دسامبر خود را شاه اعلام کرد لیکن وی نیز مدت طولانی در این مقام نماند.

او در ماه دسامبر ۱۷۴۹ زندانی شد و حکومت به شاهرخ نوه ۱۴ ساله نادرشاه سپرده شد. در استرآباد و مازندران محمد حسن خان قاجار حکومت می کرد. آذربایجان در دست یکی از فرماندهان سپاه نادرشاه یعنی آزادخان از طایفه غلجایی افغان قرار داشت. یکی از فتودال های با

<sup>۱۹</sup> - همانجا. ص ۲۷۲.

نفوذ محلی بنام هدایت الله خود را حاکم گیلان اعلام نمود. در جنوب علی مردان خان رئیس طایفه بختیاری و کریم خان رهبر طایفه زند حکومت می کردند.

در اثر منازعات داخلی جامعه ارمنی روزگار سختی را می گذرانند و بخش بزرگی از جلفای نو خالی از سکنه شده بود. لذا ارمنیان از کریم خان درخواست کردند ارمنیان روستاهای فریدن را به جلفا منتقل کند لیکن روستائیان با زندگی شهری مأنوس نبودند و مجدداً به روستا بازگشتند. کریم خان با اطلاع از این رویداد شخصی ترابخان نام را به محل فرستاد و او مصائب زیادی برای ارمنیان فریدن و بربرود (بورواری) ایجاد نمود.<sup>۲۰</sup>

آزاد خان در سال ۱۷۵۳ به جلفا حمله کرد و آنجا را تصرف نمود. کریم خان نیز که از یورش وی آگاهی یافته بود پیشتر محل را ترک کرده به شیراز رفته بود. آزاد خان کلاتر هاروتیون را خواست و از او مبلغ ۸,۰۰۰ تومان طلب کرد و گرنه جلفا را تاراج می کرد. ماموران مالیاتی مردم را مورد ضرب و شتم و تجاوز قرار می دادند، مردان و زنان را دستگیر کرده از آنان پول می خواستند. آزاد خان با شنیدن یورش حسن خان استرآبادی به قلمرو او آماده بازگشت شد و لذا از کلاتر ارمنیان جلفا درخواست کرد هر چه زودتر مبلغ ۸,۰۰۰ تومان پرداخت کند. کلاتر هاروتیون با تعظیم در برابر او می گوید که اهالی تمام خانه و زندگی خود را فروخته و املاک خود را گرو گذاشته اند و به زحمت توانسته اند شش هزار تومان جمع آوری کنند. آزاد خان نیز بخاطر این همه مصیبت های ارمنیان بر آنها ترحم کرد و دو هزار تومان کسری را نادیده گرفت. ارمنیان جلفا شش هزار تومان به آزادخان دادند و آنجا را ترک کرد و در خراسان به جنگ حسن خان رفت اما از او شکست خورد. حسن خان در سال ۱۷۵۶ پیروزمندانه وارد اصفهان شد و با اطلاع از شش هزار تومانی که ارمنیان به آزادخان داده بودند خود نیز هشت هزار تومان از ارمنیان مقلس و ورشکسته طلب کرد. آنها مجبور شدند اشیاء زرین و سیمین کلیساها، صلیب ها و تزئینات کتاب مقدس را بفروشدند و به ماموران مالیاتی بپردازند.<sup>۲۱</sup>

<sup>۲۰</sup> - ه. ترهوهانیانس. ج ۱، ص ۳۰۵.

<sup>۲۱</sup> - همانجا. ص ۳۱۲-۳۰۹.

کریم خان با غلبه بر علی مردان خان بختیاری، آزاد خان غلجایی و محمد حسن خان قاجار عملاً حاکم و فرمانده کل کشور گردید. در زمان حکومت کریم خان زند (۱۷۴۹ یا ۱۷۷۹-۱۷۶۰) کم یا بیش صلح و آرامش در کشور حاکم شد و او به لقب «وکیل الرعایا» اکتفا می کرد. در دوران هرج و مرج سیاسی بسیاری از حکام بویژه در مناطق مرزی صاحب استقلال یا خود مختاری شدند. در سال ۱۷۴۴ در زمان نادرشاه آخرین اخلاف خاندان باگراتونی در گرجستان (تیمور از و فرزندش هراکل، اولی در کارتلی و دومی در کاخ) حکومت می کردند. این سرزمین ها «ولایت» نامیده می شدند و والیان از شاه ایران اطاعت می کردند. والیان گرجستان که لقب «پادشاه» داشتند در مقایسه با خان های قفقاز از امتیازات بیشتری برخوردار بودند. پس از مرگ نادرشاه کارتلی و کاخت مستقل گردیده و در سال ۱۷۶۲ این دو حکومت گرجی توسط هراکل متحد شدند.<sup>۲۲</sup>

در همین زمان نیز خان نشین های تشکیل شده در ارمنستان شرقی و آذربایجان از جمله در ایروان، نخجوان، خوی، ماکو، قراباغ، ارومیه، گنجه، قوبا و سایر محل ها عملاً استقلال یافتند. آنها گهگاه به جنگ های خونین با یکدیگر می پرداختند. خان ایروان تلاش می کرد جبهه مقاومت ارمنیان را که مورد پشتیبانی نادر شاه بود، نابود سازد. خان ایروان بلافاصله پس از مرگ نادرشاه به تصویب حساب با ملیک های ارمنی پرداخت. لیکن پس از جنگ های سالهای ۱۷۶۲ و ۱۷۶۵ وی مجبور شد از پادشاهی هراکل دوم گرجستان متحد اطاعت کند و سالانه ۳۰۰۰ تومان مالیات و هنگام جنگ نیروی نظامی در اختیار او قرار دهد. طبیعی بود که این مالیاتها از زحمتکشان ارمنی باید وصول می شد.

در زمان عادلشاه، محمد قلی خان که از زمان نادرشاه منصوب شده بود در نخجوان حکومت می کرد. او ساکنان ارمنی را غارت می کرد لذا آنان در روستای ارمنی نشین آستاباد دست به قیام در مقابل خان زند و او نیز از آنجا گریخت و بجای او حیدر قلی خان منصوب شد و او نیز گوی سبقت را در غارت مردم از محمد قلی خان ربود. وقتی که حکومت از عادلشاه به برادرش ابراهیم میرزا منتقل شد اوضاع از همین هم بدتر شد. بنابه در خواست ارمنیان سیه بخت

<sup>۲۲</sup> - تاریخ ارمنستان. ج ۴ ص ۱۹۱.

نخجوان پادشاه حاکم دیگری بجای حیدر قلی خان منصوب نمود که از ملیت گرجی و **بهنام** نام داشت. هنگام ورود بهنام خان به نخجوان چند تن از ارمنیان صاحب نفوذ که از آنجا گریخته و به تبریز پناه برده بودند همراه او به زادگاه خود باز گشتند<sup>۲۳</sup>. بهنام خان ارمنیان را از مالیات های سنگین معاف نمود و از میان ارمنیان سپاهی تدارک دیده دشمنانش را تنبیه نمود. لیکن ساکنان مسلمان **اردویاد** در قلمرو نخجوان از اطاعت از بهنام خان سرباز زدند و آماده لشکر کشی به بهنام خان شدند. وی نیز سپاه ارمنی را به فرماندهی **غازار** به اردویاد فرستاد و او آنجا را به محاصره خود در آورد لیکن باز هم از شوربختی ارمنیان در سرزمین مادری خود حیدرقلی خان ملعون که با رشوه های کلان مقام قبلی را مجددا کسب کرده بود به آنها حمله کرد و حلقه محاصره را شکست و بهنام خان را طرد نموده آماده تسویه حساب با مقاومت ارمنی شد.

مرکز مقاومت ارمنیان روستای **شاهگرد** بود و ارمنیان در آنجا به صنعت مسگری مشغول بودند. رهبر آنان هوانس **خاندامیریان** شخصی خردمند، جسور، بی باک و جنگجویی ماهر بود و شهرت فراوانی در منطقه داشت. او زمانی که در ۱۷۵۰ از حمله حیدرقلی خان به شاهگرد خبر دار شد، ۵۰۰ نفر از ارمنیان بی باک را گرد آورد. آنها با سرعت توپ و پرتابه هایی از مس ساختند. حیدر قلی نیز لشکر کمکی از تبریز دریافت نمود و دست به حمله زد. اولین برخورد طرفین با پیروزی ارمنیان توأم بود و حیدر قلی مجبور به مذاکره گردید<sup>۲۴</sup>.

پس از مرگ نادرشاه اوضاع اجتماعی - سیاسی ملیک ها یا فرماندهان محلی قراباغ رو به وخامت نهاد زیرا آنها مورد حمایت نادر بودند. اقوام کوچ نشین بتدریج در آن مناطق مستقر می شدند و مشکلاتی برای ساکنان محلی ارمنی بوجود می آوردند<sup>۲۵</sup>. آنها با استفاده از هرج و مرج در

۲۳ - م. چامچیان. منبع یاد شده. ج ۳، ص ۸۴۳-۸۴۲.

۲۴ - ه. چامچیان. ج ۳، ص ۸۴۴.

لئو، جلد ۳، کتاب دوم، ص ۲۳۳-۲۳۲.

۲۵ - همان ها امروزه جمهوری ساختگی آذربایجان با پایتخت باکو را تشکیل داده و مدعی بومی

بودن هستند.

کشور یک خان نشین مسلمان در قراباغ ایجاد نمودند<sup>۲۶</sup> (به رهبری پناه خان) او در سالهای ۱۷۵۴-۱۷۵۲ قلعه شوشی را که آوان یوزباشی ارمنی بنا کرده بود مرمت کرد، در آن مستقر شد و به آزار و اذیت ساکنان بومی ارمنی پرداخت<sup>۲۷</sup>.

هاروتیون تر هوهانیاختس نویسنده تاریخ جلفای نو اوضاع ارمنیان را در این زمان به تحریر کشیده است. او آغاز بدبختی و آوارگی ارمنیان جلفای نو را به زمان شاه سلطان حسین منتسب می کند. در اثر ناامنی و شرایط سخت زندگی در آن زمان و پس از آن بسیاری از ارمنیان جلفای نو به سرزمینهای دیگر بویژه هندوستان مهاجرت کردند<sup>۲۸</sup>.

کریم خان برای بازگرداندن مجدد رونق اقتصادی به ایران از خواجه های ارمنی درخواست کرد به امر تجارت و پیشه ها کمک کنند و از حمایت او برخوردار گردند<sup>۲۹</sup> و لذا مالیات آنها را کاهش داد<sup>۳۰</sup>. او حتی رهبر مذهبی ارمنیان جلفا را تشویق می کرد نامه هایی به ارمنیان سایر کشورها بنویسد و از آنها بخواهد به ایران باز گردند و قول همه گونه همکاری به آنها می داد<sup>۳۱</sup> و فرمان حکومتی به نام مگردیچ رهبر مذهبی جلفا و کلانتر سارکیس (شهردار جلفا) صادر کرد<sup>۳۲</sup>. با این حال ارمنیانی که چنان دوران سخت و سیاهی را دیده بودند حاضر نبودند به کشوری بدون امنیت کافی بازگردند. در این دوران قیمت املاک و مستغلات در جلفا به شدت کاهش یافت. خانه ها و عمارات به قیمتی بسیار ارزان بفروش می رسیدند، خانه ای که ۳۰۰ تومان می ارزید، به قیمت ۳ تومان و یا کمتر بفروش می رسید<sup>۳۳</sup>. مگردیچ رهبر مذهبی جلفا آماری از ساکنان ارمنی جلفا

<sup>۲۶</sup> - رافی. ملیک نشین های پنجگانه.

<sup>۲۷</sup> - لئو. همانجا. ص ۲۶۶.

<sup>۲۸</sup> - ه. ترهوهانیاختس. ج ۱. ص ۳۳۴-۳۰۵.

<sup>۲۹</sup> - William Franklin. Observation made on a tour from Bengal to Persia, in the year 1780-1784.

<sup>۳۰</sup> - پرویز رجبی. کریم خان زند و زبان او. چاپ دوم. تهران: ۱۳۵۵. ص ۲۰۹.

<sup>۳۱</sup> - ه. هوهانیاختس. ج ۱. ص ۳۳۴.

<sup>۳۲</sup> - همانجا. ص ۳۳۲.

<sup>۳۳</sup> - همانجا. ص ۳۳۷.

تهیه کرد که بر اساس آن در زمان حکومت کریم خان زند ۱۶۶۷ نفر در شهر گزارش شده است. جزئیات این آمارگیری در کتاب تاریخ هوهانیانتس آمده است. لیکن مشخص نیست که آیا زنان و کودکان هم در این آمارگیری در نظر گرفته شده اند یا خیر<sup>۳۴</sup>.

کریم خان در سالهای آخر عمر از درد مفاصل و نارسایی کلیه ها و ذات الریه (یا سل) رنج می برد که در نهایت در دوم مارس سال ۱۷۷۹ جانش را گرفت (۱۳ صفر ۱۱۹۳ هجری در سن ۸۰ سالگی در شیراز<sup>۳۵</sup>). پس از او برادرزاده اش علی مراد خان بر دیگر مدعیان پیروز شد و اصفهان را تصرف نمود و خود را شاه نامید (۱۷۸۵-۱۷۸۲). او اکثر مناطق کشور را به اطاعت خود در آورد غیر از استان های شمالی و مناطق ساحلی دریای مازندران که در دست حاکمان قاجار قرار داشت.

در سده ۱۸ چندین برنامه سیاسی برای استقلال ارمنستان مطرح شد از جمله برنامه روسیه در زمان کاترین دوم (از ۱۷۶۳ به بعد). برنامه ایرانی به رهبری علی مراد خان زند و برنامه ارمنیان ایران مقیم هندوستان به رهبری هوسپ امین<sup>۳۶</sup>.

---

۳۴ - همانجا. ص ۳۳۸-۳۳۷.

۳۵ - پرویز رجبی. منبع یاد شده. ص ۱۲۳.

۳۶ - جزئیات کامل را می توان در جلد نخست از تاریخ مفصل ارمنیان ایران در ده جلد نگارش

نگارنده این سطور دید. تهران: ۱۳۹۱. تورونتو و ایروان: ۲۰۱۲. ص ۳۲۸-۳۰۹.